

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سیاوش آزاد
۲۰ اپریل ۲۰۲۴

استعمار و جنگ فرهنگی – روانی

استعمارگران به هر سرزمینی که جای پای باز می کنند، در پهلوی اقدامات سیاسی، نظامی و فرهنگی که یک بخش آن جنگ روانی است، در قدم نخست می کوشند تا انسان استعمارزده را از معنویت تهی نموده و روان وی را متلاشی سازند.

ضربه وارد نمودن به روان استعمارزده تنها به یک شیوه نبوده و طرق آن نظر به ویژگی های آن محیط و ماحول فرق می کند. اما اصل اساسی و هدف استعمارگران همان عبودیت و متلاشی ساختن روان استعمارزده است. استعمارگران علوم را در حیطه اختیار و انحصار خویش قرار می دهند و تا آنجا موضوعات علمی و پژوهشی را افشاء می نمایند تا سلطه ذلتبار آنها از جا تکان نخورد و باعث آگاهی، سلامت و رفاه استعمار زده ها نشود. استعمارگران برای سرکوب معنویت انقلابی توده های محکوم، از طرق مختلف و مجاری پیشرفته احساس ناامیدی و سرخوردگی را در اذهان استعمارزده ترویج می نمایند.

استعمارگران بنا بر اقتضای زمان ابزار و وسائل متناسب را به کار می گیرند و در تهاجم فرهنگی با فرهنگ به جنگ فرهنگ می روند، اما این عمل را طوری انجام می دهند که خیلی طبیعی و غیر مرئی بنماید، همانند آب زیر کاه و طوری وانمود می کنند که اصلاً چیزی از جا تکان نخورده است. از آنجائی که فرهنگ استعماری زاده یک سیستم استعماری است، استعمارگر می کوشد تا این عمل را به شکلی انجام دهد تا برای استعمار زده مجال واکنش باقی نگذارد.

امپریالیسم خود یک سیستم استعماری و استثمار است. ما تنها می توانیم با یک سیستم آزادیبخش و ضد استثمار به جنگ این سیستم توحش گستر، ستمگر و استثمارگر برویم. این مأمول بدون آگاهی انقلابی، تشکیلات انقلابی و آگاهی و انسجام مبارزاتی جمیع ستمکشان و به ویژه طبقات تحت ستم و استثمار اعم از زنان و مردان، امکان پذیر نیست. از میان شیوه های مختلف امپریالیستی ترفند فرهنگ استعماری یا هم جنگ نرم و تهاجم خاموش کارائی بیشتری را دارا بوده است.

در این نوع تهاجم استعماری امپریالیسم و لشکر زرخیز فرهنگی – مدنی بومیش بر حریم شخصیتی انسان های مورد تهاجم امپریالیستی، تنها گلوله های شکر آلوده دشمن است که ارزش های ملی و انقلابی را چون موربانه از درون بیرون هر لحظه خورده می رود و یا به گفته بزرگمردی "بقای یک ملت بیشتر با نوش به مخاطره می افتد و کمتر با نیش".

هدف اصلی استعمار در کشور های تحت سلطه ترویج ارزش های فکری، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی لیبرالی، تقویت ارتجاع مذهبی - تاریخی به مثابه پایه اجتماعی و دسته کارد استعمار، سرکوب و به انحراف کشاندن گرایش های راستین آزادیخواهی و ترقیخواهی توده ها توأم با تاراج هستی مادی و معنوی کشور های تحت ستم، می باشد. در بسا از موارد لشکر استعماری از آدرس "جامعه جهانی" به بهانه های واهی و دروغین مبارزه علیه تروریسم، مبارزه علیه مواد مخدر، انقلاب مخملین، متمدن سازی، اعاده حقوق بشر، حقوق زنان، دموکراسی و... در پی سلطه گرایی، قلدری و براندازی نرم، کشور های ضعیف و تحت سلطه را اشغال نظامی کرده، خلق ها را به بند کشیده و مقاومت احتمالی را سرکوب خونین می کند.

بنابر این، قدرت های استعماری با تمرکز بر مسائل ایدئولوژیک و فرهنگی در کنار ماشین کشتار، در واقع با کم ترین هزینه جبهات فرهنگی مورد نظر خود را تحت کنترل قرار می دهند.

امپریالیسم با جنگ روانی در پی ویران کردن اندیشه و تفکر جوامع مورد یورش استعماری، از لحاظ تبلیغاتی می خواهد سیستم روانی استعمارزده را متزلزل و بی ثبات نماید.

هدف از جنگ روانی در اوضاع کنونی تسخیر نمودن باور ها و ارزش های یک جامعه است که تصرف مغز ها و ربودن شعور استعمارزده توسط سلطه استعماری از لحاظ فرهنگی می باشد.

پیچیده نمودن اخبار و اطلاعات به منظور کتمان نمودن اخبار، ترویج جاذبه های جنسی و مصروف نمودن فکری جوانان با مسائل مبتذل و بی اهمیت از طریق فضای مجازی و نمایش فیلم های "اروتیک - شهوت انگیز"، به راه انداختن تفرقه و بدبینی مذهبی، سمتی، زبانی، قومی از مجاری گوناگون، مطرح ساختن افراد منسوب به استعمارگران از طریق تلویزیون و رادیو های متعلق به خود شان. سربازگیری در میان فعالان سیاسی - فرهنگی آن کشور، خرید عناصر دمساز با اهداف و نیات پلید استعماری امپریالیسم به منظور نقب زدن در نهاد های مترقی و آزادیخواه، مهیا نمودن زمینه های فرار مغز ها از کشور های جهان سوم به کشور های متروپول و استفاده نمودن از اندوخته های علمی و مسلکی آنها به نفع استعمارگران در کشور امپریالیستی و به زیان طبقه کارگر و زحمتکشان آنجا ها.

در اوضاع کنونی که امپریالیسم جهانگستر در یک بحران ساختاری دست و پا می زند، جنگ فکری جزئی از فعالیت های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی سیستم سرمایه داری امپریالیستی در برابر افکار آزادیخواهانه خلق های تحت ستم و اندیشه های انقلابی در عرصه نبرد ایدئولوژیک، با هدف بقای این سیستم هیولائی است.

در این نبرد ایدئولوژیک - فرهنگی، رسانه های زنجیره ای، شبکه های رادیویی و تلویزیونی، اینترنت و رسانه های اغتشاش آفرین اجتماعی، مجلات، کتب، مکاتب، دانشگاه ها، اندیشکده ها، شرکت های تبلیغاتی و چاپ و عرصه هنر سمعی - بصری همه تحت سیطره سیستم امپریالیستی به منظور انحراف از واقعیت های سیاسی و اجتماعی دست اندر کار اند.

در پخش اخبار منابع استعماری سیاه را سفید و سفید را سیاه جلوه می دهند و از انتشار اخبار واقعی به توده های مردم ممانعت می نمایند. واقعیت این است که در عصر امپریالیسم با سیطره مالی جهانی آن، تکنولوژی اعجاز برانگیز جدید بیش از تکنولوژی قدیم از نظر حوزه و شعاع عملش بین المللی تر شده است. به همین دلیل اثرات آن بر روی ملل محکوم مشهود است. با این ابزار و شگرد ها استعمارگر تلاش می ورزد تا روان استعمارزده را تحت تاثیر فرهنگ استعماری خود داشته باشد تا بتواند یا او را به خدمت گیرد و در ازای زر، سرپناه و یک شکم نان به سود سیستم متجاوز استعماری به کارش گمارد و یا با شکستن شخصیتش، او را خوار و مستأصل سازد و در موقعیتی قرار دهد که وجود و عدمش یکسان شود.

امپریالیسم لجام گسیخته غرب به هر کجائی از زمین که سلطه اشغالگرانه خود را پهن می سازد، سعی می دارد تا مردمان آن سرزمین را از ارزش های والای معنوی مثل آزادی دوستی، میهن دوستی، غرور و ترقی پسندی تهی نموده، زمینه های فقر و گرسنگی، احتیاج و خرافات را گسترانیده تا از این طریق آنها را مطیع فرمان خویش قرار دهند.

استعمار به منظور کسب اطلاعات از سرزمین ها محکوم به لشکری از جواسیس وابسته به خود ضرورت دارد تا در میان مردمان همان منطقه کسب اطلاعات نموده و در اختیار شبکه های استعماری قرار دهند. این عده افراد وابسته به استعمار در سرزمین های مورد توجه استعمار به عنوان ابزار سلطه ایدئولوژیک - فرهنگی، سیاسی و اقتصادی استعماری عمل می نمایند، "کاری که اخوان در جریان جنگ آزادیبخش ضد سوسیال امپریالیسم اشغالگر روسی به نفع ستراژی امپریالیست های غربی انجام داد".

چنانچه در دو نوبت در کشور خود شاهد بودیم، در رخ دیگر این حالت فوق، متجاوزان استعمارگر با امکانات وافر استعماری خویش در جهت تقویت نیرو های ارتجاعی می کوشند. اشغالگران امپریالیست در صورت شکست برنامه های تجاوزکارانه و اشغالگرانه شان و یا در صورت تبنانی میان رقبای امپریالیستی، با گذشت های متقابل، راه را به قدرت گیری نیرو های ارتجاعی هموار می سازند (تبنانی، تفاهم و امتیاز دهی میان سوسیال امپریالیسم شوروی و امپریالیسم امریکا و غرب برای سپردن قدرت به دار و دسته اخوانی در یک نوبت و سپردن در بست نظام مستعمراتی غنی توسط امپریالیسم امریکا و شرکاء با تأیید تلویحی دول امپریالیستی چین و روسیه به مزدوران طالبان، در نوبت بعدی، نمونه های بارزی از این ترفند استعماری است برای تداوم سلطه غیرمستقیم استعماری به قیمت زیر پا نهادن اصل استقلال، حاکمیت ملی و علیه اراده جمعی مردم افغانستان).

از همین رو است که موضوع مبارزات فرهنگی و یا هم جنگ روانی امپریالیسم همسنگ با بمب ها و توپ و تانک نیرو های متجاوز استعمارگر از اهمیت خاصی برخوردار می گردد.

اما بنا بر این مقوله که "هر کجا ظلم است، مبارزه و مقاومت نیز وجود دارد"، محکومان و ستمکشان جهان هم تا حال علیه ترفند ها و سلطه استعماری خاموش نبوده و دست به افشاگری و مقاومت یازیده اند و من بعد نیز چنین خواهند کرد. در هر کجا که ستم باشد، دیر یا زود، مقاومت خرائین ستمکشان علیه ستمگران داخلی و بیرونی شکل می گیرد، بساط استعمار و استثمار از آن سرزمین برچیده شده و با رهیدن خلق ها و زحمتکشان از دام و بند استعماری - ارتجاعی، حاکمیت ملی و اجتماعی مردم آن جا به جای آن می نشیند. این حرف گزافی نیست. مبارزات پارینه و جاریه خلق ها و طبقات محکوم در مصاف با امپریالیسم و ارتجاع بر صحت این گفتار صحه می گذارد.